

اثر پدیده تماشاگری بر گزارش تقلب^۱

قاسم بولو^۲

رضا اکبریان شورکایی^۳

چکیده

در این تحقیق اثر وقوع پدیده تماشاگری بر تمایل به گزارش عمل متقلبانه آزمون شده است تا بتوان علاوه بر بررسی اثر پدیده تماشاگری، بطور ویژه، اثر قدرت شواهد بر تصمیمات مدیران جهت افشاگری در حضور یا غیاب سایر کارمندانی که از تخلف مطلع می‌باشند، را مورد آزمون قرار داد. نتایج نشان می‌دهد که در زمان وجود شواهد قوی مبنی بر عمل متقلبانه، افرادی که به تنهایی از آن عمل مطلع می‌باشند، نسبت به زمانی که سایر افراد نیز مطلع می‌باشند (پدیده تماشاگری)، به احتمال زیاد آن تخلف را گزارش خواهند کرد. اگرچه، در زمانی که شواهد تقلب ضعیف می‌باشد پدیده تماشاگری یافت نمی‌شود. نتایج مان برای کلیه سازمان‌هایی که خواهان کاهش اثرات زیان‌آور تقلب می‌باشند، کاربردهایی دارد. بطور مشخص، ممکن است آموزش یا ایجاد انگیزه‌هایی برای فائق آمدن بر پدیده تماشاگری در یک سازمان ضروری باشد.

کلیدواژه: پدیده تماشاگری، افشاگری، گزارشگری تقلب، قدرت شواهد، تقلب

Abstract

In this research, we conduct an experiment to examine the effect of occurrence of the bystander effect on willingness to report a fraudulent act. Specifically, we investigate the impact of evidence strength on managers' decisions to blow the whistle in the presence and absence of other employees who have knowledge of the wrongdoing. Results indicate that when there is strong evidence indicating a fraudulent act, individuals with sole knowledge are more likely to report than when others are aware of the fraudulent act (the bystander effect). However, the bystander effect is not found when evidence of fraud is weak. Our results have implications for all types of organizations that wish to mitigate the detrimental effect of fraud. Specifically, training or incentives may be necessary to overcome the bystander effect in an organization.

Keywords: bystander effect, whistleblowing, reporting fraud, evidence strength, fraud

^۱ مقاله استخراجی از پایان‌نامه

^۲ بولو، قاسم. استادیار. عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبایی، ghbblue20@yahoo.com

^۳ اکبریان شورکایی، رضا. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد دانشگاه علامه طباطبایی (نویسنده مسئول)، akbarian931@atu.ac.ir

انجمن بازرسان رسمی تقلب در گزارش عمومی سالیانه در مورد تقلب و سوء استفاده‌ی شغلی (۲۰۱۴) بیان می‌کند که اطلاع‌رسانی‌ها، بخصوص اطلاع‌رسانی کارمندان، بطور مداوم موثرترین روش کشف تقلب می‌باشد؛ زیرا آن‌ها مسئولیت ۴۲٫۲ درصدی کشف تقلب اولیه را به عهده دارند. با توجه به نقش مهم افشاگری کارمندان در ایفای کشف و اجتناب از تقلب، بهبود درک ما از فرآیند گزارش تقلب و عواملی که بر افشاگری کارمندان اثر گذار است، مهم می‌باشد (برنبرگ، ۲۰۰۹؛ نیتزچ، باتز و هاگز، ۲۰۰۵؛ رابینسون، رابرتسون و کورتیس، ۲۰۱۲). در حالی که بخش قابل توجهی از مطالعات موجود در زمینه‌های افشاگری و تقلب می‌باشد، شواهد تجربی بسیار اندکی در ارتباط با این موضوع وجود دارد که چگونه انگیزه‌های افشاگری کارمندان توسط تعداد کارمندانی که از تخلف مطلع هستند، اثر گذاشته می‌شود (رابینسون، رابرتسون و کورتیس، ۲۰۱۲). هدف این بخش بررسی اثر پدیده تماشاگری، همانطوری که با افشاگری در مورد تقلب کشف شده در ارتباط است، می‌باشد. پدیده تماشاگری به کاهش احتمال مشارکت فردی در رفتار کمک‌رسانی، در زمانی که سایر افراد حضور دارند یا از آن وضعیت مطلع هستند، اشاره دارد (لاتانه و دارلی، ۱۹۶۸؛ دارلی و لاتانه، ۱۹۷۰). به عبارت دیگر، پدیده تماشاگری به مشاهده‌ی انفعال شاهدان اشاره دارد که در زمان حضور سایر افراد اتفاق می‌افتد.

موارد بسیاری از تقلب، افراد متعددی را شامل می‌شود که در داخل سازمان باهم همکاری می‌کنند (انجمن بازرسان رسمی تقلب، ۲۰۱۲؛ کمیته سازمان‌های مسئول کمیسیون تردوی، ۲۰۰۲). به‌ویژه، ۴۲ درصد از موارد تقلب بررسی شده توسط ACFE شامل چندین مجرم می‌باشد (ACFE, 2012). بعلاوه، شواهد نشان می‌دهد که کارمندانی که در تخلف دخالت نداشتند اغلب از آن مطلع بودند (انجمن بازرسان رسمی تقلب، ۲۰۱۲؛ دیک، مورس و زینگالس، ۲۰۱۰). بررسی‌ای که توسط مؤسسه ارنست و یانگ انجام شد نشان می‌دهد که ۲۰ درصد از کارمندان آمریکایی پاسخ‌دهنده، از تقلب محیط کار آگاهی فردی دارند (سالوین، ۲۰۰۶). شواهد بررسی شفاهی نشان می‌دهد که اطلاع دیگران از یک عمل بر تصمیمات هشداردهنده کارمندان اثر می‌گذارد. برای مثال، گزارش تکمیلی سازمان ملی اخلاق کسب و کار سال ۲۰۱۱ در مورد افشاگری آشکار ساخت که دلیل مشترکی که کارمندان برای گزارش نکردن رفتار غیراخلاقی ارائه کردند این اعتقادشان بود که "سایر افراد نیز می‌توانستند گزارش کنند". متقابلاً، انگیزه مشترک جهت گزارش رفتار غیراخلاقی این احساس می‌باشد که "هیچ فرد دیگری نمی‌توانست انجام دهد" (ERC, 2012).

توزیع مسئولیت^۱ یک توضیح روانشناسی برای پدیده تماشاگری است. تئوری توزیع مسئولیت به کاهش احساس مسئولیت یک فرد جهت کمک کردن در زمانی که سایر افراد نیز حضور دارند، اشاره دارد (دارلی و لاتانه، ۱۹۶۸). مصاحبه ای که با افشاگر شرکت انرون، خانم شرون واتکینز^۲، انجام شد آشکار ساخت که ممکن است "توزیع مسئولیت" منجر به پدیده تماشاگری شود که به تقلب حسابداری در انرون کمک و تداوم بخشید. خانم واتکینز بیان می دارد که:

“دلیل بسیاری از مدیران اجرایی، مالی، حقوقی و متخصصان حسابداری شرکت انرون در کنار آمدن با اقدامات مشکوک- و در برخی موارد متقلبانه - وسائل نقلیه خارج از ترانزنامه، چندوجهی بودن آن است ... دلیل دیگر آن توزیع مسئولیت بود؛ این موضوع وظیفه‌ی شرکت آرتور اندرسون بود تا در مورد ساختارهای حسابداری پیچیده اظهارنظر نماید، یا وظیفه و کلا بود تا قانونی بودن قراردادهای مشخص را تأیید کند، یا وظیفه هیئت مدیره بود و یا غیره (کاروزا^۳، ۲۰۰۷).”

علی‌رغم شواهد شفاهی نشان‌دهنده این امر که اطلاع سایر افراد از تخلف، ممکن است در تمایل کارمندان به گزارش تقلب نقشی را ایفا نماید، تحقیقات موجود شواهد تجربی محدودی از اثر معنادار پدیده تماشاگری در سناریوهای افشاگری یافت کرده است (نیر و نیچلی^۴، ۱۹۹۵؛ رایبسون و همکاران، ۲۰۱۲). در زمینه‌های غیرافشاگری، بیش‌تر مطالعاتی که در آن پدیده تماشاگری یافت می‌شود شامل سناریوهای بدون ابهامی است که در آن شواهد تخلف قوی است (لاتانه و دارلی، ۱۹۶۸؛ دارلی و لاتانه، ۱۹۷۰). بنابراین، قدرت شواهد می‌تواند در تعامل با اطلاع سایر افراد از تخلف بر احتمال پدیده تماشاگری اثر گذارد.

در این پژوهش، با استفاده از طراحی آزمایش بین‌عاملی ۲×۲ و ۱۲۰ شرکت‌کننده از سه گروه دانشجویان مقطع کارشناسی ارشد حسابداری، شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار و موسسات حسابرسی معتمد بورس اوراق بهادار، بررسی گردید که چگونه اطلاع سایر افراد از عمل متخلفانه (اطلاع فردی هشداردهنده بالقوه در مورد عمل متخلفانه در مقابل اطلاع سایر افراد درباره‌ی آن عمل) و قدرت شواهد (شواهد قوی از تخلف در برابر شواهد ضعیف) تعامل دارند تا بر انگیزه‌های افشاگری تاثیر گذارند. هنگامی که شواهد نشان‌دهنده عمل متقلبانه قوی است، افرادی که به تنهایی از آن مطلع می‌باشند با احتمال بیش‌تری آن را در زمانی که سایر افراد مطلع از عمل متقلبانه نیز حضور دارند، گزارش می‌کنند؛ که مطابق با اثر پدیده تماشاگری می‌باشد. با این حال، زمانی که شواهد نشان‌دهنده عمل متقلبانه ضعیف است، اثر پدیده تماشاگری یافت نمی‌شود.

نتایج تحقیق‌مان می‌تواند مورد علاقه قانون‌گذاران، سیاست‌گذاران، مدیران و کارمندان در کلیه سازمان‌ها باشد. علاوه بر این، می‌بایست مورد توجه حساب‌رسان داخلی، گروهی که اغلب برای بررسی گزارشات تخلف تعیین می‌شوند،

¹ Diffusion of responsibility

² Sherron Watkins

³ Carozza

⁴ Near & Miceli

نیز قرار گیرد (کاپلان و شواتز^۱، ۲۰۰۶). تقلب یک مشکل فراگیر برای بسیاری از سازمان‌ها می‌باشد. کلیه ذینفعانی که مطلع‌تر هستند، فرصت بیش‌تری برای کاهش اثر زیان‌بار تقلب بر سازمان‌ها و اقتصاد دارند.

با توجه به عدم مطالعه پدیده تماشاگری در حیطه حسابداری و به‌خصوص روانشناسی، این مطالعه می‌تواند به ایجاد و گسترش ادبیات موضوع پدیده تماشاگری کمک نماید. ممکن است زمینه‌های تقلب حسابداری تا حدی از زمینه‌هایی که به صورت سنتی در مطالعه روانشناسی پدیده تماشاگری انجام شده است، متفاوت باشد؛ از این رو، آزمون پدیده تماشاگری در این زمینه خاص مهم می‌باشد. برای مثال، گزارش تخلف سرپرست یا همکار خود، بطور اساسی از گزارش تخلف یک فرد غریبه متفاوت می‌باشد. نتایج‌مان نشان می‌دهد که پدیده تماشاگری می‌تواند اثر قوی‌ای بر انگیزه‌های افشاگری بگذارد، اما وقوع پدیده تماشاگری در سناریوهای افشاگری تقلب مشروط به سایر عوامل موقعیتی می‌باشد.

به‌علاوه، این نتایج کاربردهای عملی نیز دارد. احتمالاً واحدهای تجاری از پدیده تماشاگری مطلع نمی‌باشند و در مقابله با آن آماده نیستند. همان‌طوری‌که در این پژوهش به اشاره گردید، توزیع مسئولیت از پدیده تماشاگری مشاهده‌شده ناشی می‌شود و ممکن است شرکت‌ها را قادر سازد تا با طراحی برنامه‌های آموزشی و انگیزشی، یا انجام اقداماتی که احساس مسئولیت فردی برای گزارش تخلف را افزایش دهند و با بی‌میلی کارمندان برای گزارش تخلف در زمانی که سایر افراد از آن مطلع هستند مقابله کنند. همچنین این مطالعه با مستند کردن شواهد پدیده تماشاگری در جایی که "قربانی" یک شرکت می‌باشد تا یک فرد، به ادبیات پدیده تماشاگری کمک می‌کند.

ادامه مقاله به‌صورت زیر سازمان‌دهی شده است. بخش بعدی ادبیات موضوع را ارائه می‌نماید و درباره تئوری تشکیل‌دهنده فرضیه بحث می‌کند. در ادامه روش‌شناسی تحقیق توضیح داده می‌شود و نتایج اولیه ارائه می‌گردد. در بخش پایانی بحث‌هایی درمورد نتیجه‌گیری‌هایمان فراهم می‌شود و پیشنهاداتی برای تحقیقات آتی ارائه می‌شود.

ادبیات موضوع و فرضیه‌ها

پدیده تماشاگری

همان‌طوری که بیان شد، پدیده تماشاگری به کاهش احتمال مشارکت و رفتار کمک‌رسانی یک فرد، در زمانی که سایر افراد حضور دارند و یا از آن وضعیت مطلع می‌باشند (لاتانه و دارلی، ۱۹۶۸؛ دارلی و لاتانه، ۱۹۷۰)، اشاره دارد. اولین بار پدیده تماشاگری توسط لاتانه و دارلی (۱۹۶۸)، در واکنش به تجاوز و قتل عمومی خانم کیتی گناوس، در سال ۱۹۶۴ در شهر نیویورک، مورد آزمایش قرار گرفت. در ۱۳ مارس ۱۹۶۴ و در یک خیابان شلوغ، خانم گناوس با ضربات چاقو کشته شد. براساس گزارشات، مسئولین دریافتند که ۳۸ نفر قتل را از آپارتمان‌شان مشاهده کرده بودند، اما هیچ

¹ Kaplan & Schultz

شخصی برای مداخله تلاشی نکرد. زمانی نگرانی بیش تر می شود که آشکار شد که حمله در حدود ۳۰ دقیقه به طول انجامید، و حتی یک فرد هم سعی نکرد با پلیس تماس بگیرد، تا این که حمله به پایان رسید. دارلی و لاتانه (۱۹۶۸) با توضیحات رسانه ای، مذهبی و علمی در مورد بی تفاوتی ظاهری شاهدان راضی نشدند، بنابراین تصمیم گرفتند تا توضیحی از اثر پدیده تماشاگری را آزمون کنند که احساس می کردند محتمل تر باشد؛ آن توزیع مسئولیت بود. آن ها استدلال کردند که مسئولیت اقدام کردن و گناه منفعل بودن میان کلیه ناظران توزیع شد. به علاوه، احتمالاً هر یک از ناظران فرض می کردند که ناظر دیگری در حال اقدام کردن می باشد.

در سال ۱۹۷۰، لاتانه و دارلی دو توضیح بالقوه مازاد بر پدیده تماشاگری برای تکمیل توزیع مسئولیت پیشنهاد کردند: نفوذ اجتماعی و هراس از ارزیابی. در اثر نفوذ اجتماعی، افراد برای این که در تعریف یک وضعیت مبهم کمک شوند، به سایرین توجه می کنند. اگر در یک وضعیت مشخص سایر افراد کمک نکنند (همانند یک وضعیت اضطراری)، پس احتمالاً افراد وخامت آن وضعیت را نسبت به واقعیت، کم تر تعریف می کنند. هراس از ارزیابی به این ترس افراد اشاره دارد که ممکن است اقدام کمک رسانی وی توسط سایر ناظران، به صورت منفی دیده شود. از این رو، نفوذ اجتماعی، هراس از ارزیابی و توزیع مسئولیت سه فرآیند توضیحی بالقوه برای پدیده تماشاگری را پیشنهاد می کنند لاتانه و دارلی، (۱۹۷۰).

افشاگری و پدیده تماشاگری

افشاگری به "افشای روش های غیر مشروع، غیرقانونی یا غیراخلاقی تحت کنترل کارمندان سازمان، که توسط اعضای سازمان به افراد یا سازمان هایی که ممکن است توانایی اقدام کردن داشته باشند" اشاره دارد (نیر و میچلی، ۱۹۸۵). مطابق با مدل افشاگری گراهام (۱۹۸۶) و تئوری هایی که مبتنی بر آن بنا شدند، درک مسئولیت در تعیین رفتار افشاگری کلیدی می باشد. مخصوصاً آن یکی از سه عاملی است که بر تصمیم به گزارش تخلف اثر می گذارند. مسئولیت می تواند "به صورت صریح، در شرح شغل یک فرد تعریف شود یا بخشی از مسئولیت نقش شان در نظر گرفته شود، یا بطور ضمنی، ناشی از حس مسئولیت فردی افراد از مسئولیت اجتماعی یا تعهدات اخلاقی" باشد (کورتیس، ۲۰۰۶).

در ظاهر ممکن است بنظر برسد که وقوع پدیده تماشاگری در زمینه افشاگری تقلب حسابداری تعجب آور نباشد، زیرا ممکن است افشاگری یک رفتار "کمک رسانی" معمولی در نظر گرفته شود. هرچند، چندین ویژگی زمینه افشاگری آن را از زمینه های پدیده تماشاگری مطالعه شده مرسوم، متفاوت ساخته است. نخست، تماشاگران، به عنوان همکاران، معمولاً یکدیگر را می شناسند. به علاوه، احتمالاً مجرم نیز برای تماشاگران و افشاگران بالقوه شناخته شده می باشد. علاوه بر این، در حالی که بیش تر محیط های مطالعات پدیده تماشاگری شامل زمینه هایی می شود که در آن رفتار تماشاگر به روشنی "مفید" می باشد (همانند برداشتن خودکاری که در آسانسور افتاده است، تعویض لاستیک پنچر شده و کمک

کردن به فردی که در وضعیت اورژانس پزشکی قرار دارد، زمینه افشاگری عدم اطمینان بیش تری را پیشنهاد می دهد. از آنجایی که ممکن نیست افشاگر مجرم باشد، اغلب افشاگری فرایندی را آغاز می کند که پایان آن از دست دادن کار، سقوط قیمت سهام، از دست دادن ثروت کارمندان و غیره می باشد. از این رو، کلیه افراد به افشاگری به عنوان یک رفتار کمک‌رسان نگاه نمی کنند (کالاها و کولینز، ۱۹۹۲). ممکن است حتی برخی به افشاگری به عنوان رفتاری خانثانه و مضر برای سازمان و سایر کارمندان آن بنگرند.

با وجود درخواست های اولیه برای تحقیق در مورد بررسی کاربرد پدیده تماشاگری بر تصمیمات افشاگری (دازر و میچلی، ۱۹۸۵)، مطالعات کمی سعی کرده اند تا به طور مستقیم اثر اطلاع سایر افراد از تخلف را بر تصمیمات افشاگری آزمایش کنند. مطالعات میچلی و نیر (۱۹۸۸)، رابینسون و همکاران (۲۰۱۲)، میچلی و همکاران (۱۹۹۱) و گاؤ، گرینبرگ و وانگ اون وینگ (۲۰۱۵) استثنای قابل توجهی هستند که نتایج مطالعاتشان به صورت ترکیبی در زیر بیان شده است.

میچلی و نیر (۱۹۸۸) داده های پرسشنامه های آرشویی افرادی که مدعی مشاهده تقلب بودند را آزمون کردند. برخلاف انتظارشان، آن ها همبستگی مثبت معناداری بین اندازه گروه و افشاگری یافتند. با فرض این که اندازه گروه به طور مثبت با گستره ای که علم به تخلف شناخته می شود همبستگی مثبت داشته باشد، این نتایج نشان می دهد که ممکن است پدیده تماشاگری در سناریوهای افشاگری شایع نباشد. رابینسون و همکاران (۲۰۱۲) نیز در یافتن شواهدی برای پدیده تماشاگری ناموفق بودند و در واقع، مقداری شواهد بر خلاف پدیده تماشاگری یافتند. آن ها نتیجه گرفتند که جهت درک پتانسیل پدیده تماشاگری در سناریوهای گزارشگری تقلب، مطالعات بیش تری لازم است.

رابینسون و همکاران (۲۰۱۲) یادآور شدند که ممکن است کاهش گرایش به پدیده تماشاگری در تصمیم های افشاگری وجود داشته باشد، زیرا تقلب یک موقعیت غیر اضطراری می باشد و تصمیم به گزارش آن، به زمان حساس نیست (دوزر و میچلی، ۱۹۸۵). به علاوه، معمولاً پدیده تماشاگری در وضعیت هایی مطالعه و مستند شده است که در آن، اقدام صراحتاً به عنوان مشارکت در رفتار کمک‌رسانی دیده می شود. با این حال، همانطوری که پیشتر گفته شد، کلیه افراد افشاگری را به عنوان یک "رفتار کمک‌رسانی" نمی بینند و در حقیقت ممکن است آن را مضر در یابند. همانطوری که نیر و میچلی (۱۹۹۵، ص. ۶۸۹) یادآور شدند، برخی افراد افشاگران را همانند افراد وفادار در نظر می گیرند، در حالی که دیگران آن ها را "خبرچین یا خائن" می دانند. از این رو، برای مشکوک شدن به این که ممکن است پدیده تماشاگری در زمینه افشاگری یافت نشود دلایلی وجود دارد.

با این حال، در حالی که بخش عمده ای از ادبیات پدیده تماشاگری با وضعیت های اضطراری سروکار داشتند، سایر مطالعات روانشناسی پدیده روانشناسی را در وضعیت های غیر اضطراری نیز یافتند (فیشر، گریتمیر، پولوزک و فری،

۲۰۰۶). همچنین سایر مطالعات دریافته‌اند که پدیده تماشاگری با سطح خطری که قربانی و تماشاگر با آن روبه‌رو می‌شوند، تغییر می‌کند (فیشر و همکاران، ۲۰۰۶، ۲۰۱۱). افراد به موقعیتی که به‌طور بالقوه اضطراری و خطرناک است و تنها می‌باشند، با احتمال بیش‌تری واکنش می‌دهند. فیشر و همکاران (۲۰۱۱) به این موضوع به‌عنوان افزایش در شجاعت اخلاقی اشاره کردند. با این حال، در وضعیت‌های کم‌خطر، اغلب پدیده تماشاگری مشاهده می‌شود (فیشر و همکاران، ۲۰۰۶). فراتحلیل انجام شده توسط فیشر و همکاران (۲۰۱۱) نشان داد که معمولاً حوادث کم‌خطر نسبت به وضعیت‌های اضطراری، منجر به پدیده تماشاگری بیش‌تری می‌شود. احتمالاً گزارش‌تقلب در طبقه وضعیت غیر اضطراری قرار می‌گیرد.

همچنین دوزیر و میچلی (۱۹۸۵) و راینسون و همکاران (۲۰۱۲) اشاره کردند که برخلاف بیش‌تر ادبیات پدیده تماشاگری، افشاگران اغلب بخشی از یک سازمان هستند. به این ترتیب، ممکن است افشاگران با هزینه‌ها و مزایای مختلف مرتبط با جایگاه‌شان در سازمان مواجه شوند، همانند آثار حیثیتی. از این رو، ممکن است پدیده تماشاگری در زمینه‌های افشاگری مشخص، کم‌تر یا بیش‌تر نمایان شوند. به‌عنوان مثال، میچلی و همکاران (۱۹۹۱) یادآور شدند که ممکن است رواج پدیده تماشاگری بسته به کانال افشاگری متفاوت باشد. آن‌ها معتقدند همکاران از غریبه‌های مرسوم در مطالعات پدیده تماشاگری متفاوت هستند. نسبت به یک گزارش‌دلسردکننده، همکاران ممکن است افشاگران را از طریق کانال‌های افشاگری داخلی دلگرم و حمایت کنند (یعنی کانال‌هایی که منجر به گزارش‌هایی می‌شود که توسط گروه‌هایی در داخل سازمان مدیریت می‌شوند). شواهد بررسی، فرضیات‌شان را مبنی بر این که پدیده تماشاگری در کیس‌های افشاگری بیرونی، بیش‌تر نمایان شود (یعنی کیس‌هایی که در آن گزارش ایجاد شده برای گروه‌های بیرون سازمان، منجر به بررسی بیرونی مسئله می‌شود). مطابق با اثر پدیده تماشاگری، احتمال گزارشگری افراد از طریق کانال‌های بیرونی، در زمانی که فقط "چند ناظر دیگر از تخلف مطلع بودند" بیش‌تر می‌باشد (میچلی و همکاران، ص. ۱۲۳). به‌طور مشابه، گآو و همکاران (۲۰۱۵) اثر کانال گزارشگری بر پدیده تماشاگری را با استفاده از یک پیمایش آزمایشی از دانشجویان مقطع کارشناسی رشته کسب‌وکار آزمون کردند. برخلاف میچلی و همکاران (۱۹۹۱)، گآو و همکاران (۲۰۱۵) شواهدی از پدیده تماشاگری را در ارتباط با کانال گزارش تخلفات که از درون شرکت مدیریت می‌شود یافتند، اما برای کانال گزارش تخلف که از بیرون شرکت اداره می‌شود، چیزی نیافتند. به‌خصوص، آن‌ها دریافته‌اند که هنگامی که کانال گزارشگری از درون شرکت اداره می‌شود، انگیزه‌های گزارشگری افشاگر در هنگامی که تماشاگران حضور دارند، به‌طور معناداری پایین‌تر از زمانی است هیچ تماشاگری حضور ندارد. در مقابل، در زمانی که کانال گزارش تخلف از بیرون شرکت اداره می‌شود (توسط گروه سوم)، انگیزه‌های گزارشگری در زمان حضور یا غیاب تماشاگران تفاوتی نمی‌کند.

بر اساس بحث های بالا و عدم قطعیت پیرامون افشاگری و پدیده تماشاگری، این پژوهش امکان اثر پدیده تماشاگری بر احتمال گزارشگری را در زمانی که سایر افراد از فعالیت متقابلانه مطلع هستند بررسی می کند، اما پیش بینی نمی کند.

قدرت شواهد - تعدیل کننده بالقوه پدیده تماشاگری

مطابق با آپازا و چانگ (۲۰۱۱، ص. ۱۱۶)، "می بایست در تصمیم گیری جهت هشدار دادن قدرت شواهد به عنوان اولین عنصر در نظر گرفته شود". تشخیص این که تخلف رخ داده است، به عنوان اولین گام در فرآیند افشاگری مطرح می شود (دوزیر و میچلی، ۱۹۸۵؛ مسمر - مگنوس و ویزوسواران، ۲۰۰۵)، و این تشخیص از طریق آزمایش شواهد به دست می آید. به ویژه هنگامی که شواهد تخلف قوی تر شود، به احتمال زیاد کارمندان از تخلف مطلع می شوند و این که مداخله لازم می باشد یا خیر را تعیین می کنند.

به طور کلی، مطالعات وسیعی ارتباط مثبت بین قدرت شواهد و نیت افشاگران را پشتیبانی می کند (گرینبرگر، میچلی و کوهن، ۱۹۸۷؛ میچلی و نیر، ۱۹۸۵؛ نیر و میچلی، ۱۹۹۶). برای مثال، مدل رفتار سازمانی جامعه پسند افشاگران (میچلی، نیر و دورکین، ۲۰۰۸) نشان می دهد که شواهد قوی تر به ارزیابی هزینه - منفعت متمایل خواهد شد تا احتمال گزارشگری بالاتر. همچنین میچلی و نیر (۱۹۸۵) دریافتند که اگر شواهد تخلف متقاعدکننده باشد، تخلف شدید باشد یا اگر عمل متخلفانه اثر مستقیمی بر کارمندان بگذارد، آن ها به احتمال زیاد تخلف را افشا می کنند؛ حتی در صورتی که با اقدامات تلافی جویانه منفی مواجه شوند. نیر، رق، ون اسکاتر و میچلی (۲۰۰۴) دریافتند که دلایل پاسخ دهندگان پیمایش آن ها برای گزارش تخلف، با نوع عمل و کیفیت شواهد نشان دهنده وقوع تخلف ارتباط دارد. به علاوه، دلیل اولیه خوداظهاری شان برای عدم گزارش تخلف این است که آن ها می پنداشتند که برای اصلاح وضعیت هیچ کاری نمی توان انجام داد. در مطالعه اخیر میچلی و همکاران (۲۰۱۲)، فرض کردند و یافتند که افشاگری به طور مثبت با قدرت شواهد مرتبط است.

در این پژوهش فرض می شود که دلیل این موضوع که در ادبیات گذشته افشاگری، شواهدی دال بر پدیده تماشاگری یافت نشد به این خاطر است که قدرت شواهد بر واکنش های فردی افراد مطلع از تخلف، اثر تعدیل کننده دارد. تقریباً در هر موقعیتی که پدیده تماشاگری در محیط های آزمون شده در ادبیات روانشناسی قرار می گرفت، شامل شواهد محکمی از وقوع واقعه می شد. در اکثر موارد، شرکت کنندگان مستقیماً شاهد عمل بودند. برای مثال، در پژوهش دارلی و لاتانه (۱۹۶۸) افراد مورد مطالعه در زمانی که ربایش شخصی رخ می داد، صدای وی را از طریق سیستم ارتباطی موجود در محیط آزمایش می شنیدند. همچنین در پژوهش لاتانه و دابس (۱۹۷۵)، شرکت کنندگان افتادن مداد و سکه

افراد در آسانسور را مشاهده می کردند. به علاوه، افراد از لحاظ بصری شاهد حمله به کیتی گناووس بودند (روزنتال، ۱۹۶۴). اعتقاد بر این است که این موقعیت ها مشابه داشتن "شواهد قوی" در سناریوهای تقلب هستند.

این پژوهش مطرح می سازد که قدرت شواهد با اطلاع سایر افراد از وقوع تخلف، از طریق مسئولیت ادراک شده کارمندان جهت گزارش تخلف، در اثرگذاری بر احتمال پدیده تماشاگری تعامل دارد. به خصوص، هنگامی که افراد بیش تری از تقلب مطلع هستند، برای این که وجود شواهد قوی احتمال توزیع مسئولیت جهت گزارشگری را افزایش می دهد؛ که منجر به پدیده تماشاگری می گردد. به عبارت دیگر، در زمانی که شواهد قوی می باشد و شخصی بداند که سایر افراد نیز از تقلب رخداده آگاه باشند، به احتمال زیاد یک کارمند مسئولیت فردی پایین تری را برای گزارش تقلب احساس می کند. در اینچنین موقعیت هایی، ممکن است وی احساس کند که تخلف توسط سایر افراد گزارش خواهد شد، یا شواهد آنقدر قوی می باشد که به طور اجتناب پذیری توسط گروه ها، همانند واحد حسابرسان داخلی، مورد توجه قرار خواهد گرفت و اقدامات مناسب را انجام خواهند داد.

در مقابل، هنگامی که افراد بیش تری از تقلب مطلعی باشند که شواهد آن ضعیف است، ممکن است هیچ توزیع مسئولیت صورت نگیرد، و احتمال مشاهده اثر پدیده تماشاگری کاهش یابد. در زمانی که شواهد ضعیف می باشد، ممکن است افراد احساس کنند که گزارش تخلف توسط سایر افراد بعید باشد؛ حتی اگر آن ها در مورد تقلب بالقوه مطلع باشند. از این رو، مسئولیت فردی یک شخص برای گزارش تخلف، با این فرض که سایر افراد اقدام مناسب را اتخاذ خواهند کرد، تقلیل نمی یابد. بر این اساس، فرضیه زیر را با توجه به اثر تعاملی اطلاع سایر افراد از تقلب و قدرت شواهد بر احتمال گزارشگری جهت تقلب پیشنهاد می گردد:

- اطلاع دیگران از عمل متقلبانه در زمان وجود شواهد قوی، در مقایسه با علم انفرادی به این عمل در زمان وجود شواهد ضعیف، احتمال گزارشگری (اثر تماشاگری) را کاهش خواهد داد.

پژوهش های داخلی مرتبط با روانشناسی تقلب

در سال ۱۳۹۰ پژوهشی با نام "روان شناسی و جامعه شناسی تقلب" انجام شد. این پژوهش بدنبال راه حل هایی جهت کاهش ریسک تقلب، از طریق بررسی تئوری های رفتاری و ویژگی های شخصیتی متقلبان می باشد. این پژوهش بیان می کند که بهترین مکانیزم کشف تقلب، ایجاد این انتظار در سازمان است که متخلفان به سرعت شناسایی و مجازات می شوند. همچنین دلایل رخداد تقلب، به خصوص در حوزه مالی، شامل وضعیت اقتصادی خوب، زوال اخلاقی در جامعه، انگیزه های مدیران، ماهیت قوانین حسابداری، رفتار شرکت های حسابرسی و قصور سیستم آموزشی برمی شمارند (مرادی، سلیمانی؛ ۱۳۹۰).

در بررسی که دکتر مشایخی با عنوان "روانشناسی تقلب" انجام دادند، این نتیجه حاصل می‌شود که ریسک بروز تقلب محصول دو پدیده "شخصیت افراد" و "متغیرهای محیطی" است؛ که این دو عامل باعث درک بهتر ریسک تقلب می‌شود. افراد مختلف در شرایطی یکسان، دارای انگیزه‌های متفاوتی در قبال ارتکاب تقلب می‌باشند. همچنین شرایط و موقعیت‌های متفاوت، تاثیر متفاوت بر افراد با انگیزه‌های یکسان خواهد داشت؛ به طوری که وقتی فردی از یک محیط به محیط دیگر نقل مکان می‌کند، احتمال بروز رفتار متقلبانه نیز تغییر خواهد کرد (مشایخی، ۱۳۹۰).

روش تحقیق

جامعه آماری پژوهش حاضر شامل از سه گروه دانشجویان سال آخر حسابداری مقطع کارشناسی ارشد سال ۱۳۸۹، شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار و مؤسسات حسابرسی معتمد بورس اوراق بهادار تهران می‌باشد. روش نمونه‌گیری گروه دانشجویان حسابداری مقطع کارشناسی ارشد به صورت خوشه‌ای می‌باشد، به طوری که خوشه اول شامل دانشجویان حسابداری مقطع کارشناسی ارشد کل کشور، خوشه دوم دانشجویان حسابداری مقطع کارشناسی ارشد که در دانشگاه‌های شهرستان تهران تحصیل می‌کنند و خوشه سوم دانشجویان حسابداری مقطع کارشناسی ارشد که در دانشگاه‌های علامه طباطبایی، تهران و تربیت مدرس تحصیل می‌کنند می‌باشد. از آنجایی که تعداد شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران و مؤسسات حسابرسی معتمد بورس اوراق بهادار تهران مشخص می‌باشد، برای نمونه‌گیری از روش تصادفی ساده و فرمول کوکران اصلاح شده برای جامعه مشخص استفاده شده است. دلیل استفاده از فرمول کوکران اصلاح شده این است که اگر حجم جامعه محدود باشد، حجم نمونه می‌تواند کمی کاهش یابد. این موضوع به خاطر این حقیقت است که جامعه‌ای با حجم بسیار بالا، می‌تواند اطلاعات نسبتاً بیشتری را نسبت به جامعه‌ای با حجم کم در اختیار قرار دهد.

به منظور بررسی فرضیه پژوهش، آزمایشی را با استفاده از طرح بین آزمودنی ۲×۲ انجام خواهد شد. شرکت‌کنندگان یک مورد فرضی که شامل تردیدهایی از وجود تقلب می‌باشد را می‌خوانند. شرکت‌کنندگان بعد از خواندن سناریو، احتمال این‌که آن‌ها تقلب بالقوه را گزارش خواهند کرد و احساس مسئولیتی که برای گزارش آن احساس می‌کنند را بیان کردند. آن‌ها همچنین به سؤالات مربوط به دستکاری، سؤالاتی که در ارتباط با درک‌شان از عمل متقلبانه می‌باشد (مسئولیت فردی ادراک شده جهت گزارش تقلب، میزان شدت درک شده از تقلب، ترس از اقدامات تلافی‌جویانه منفی)، و سؤالات جمعیت‌شناسی پاسخ دادند. متغیرهایی که دستکاری شدند اطلاع سایر کارمندان از تقلب (یک شخص از تقلب مطلع باشد یا سایر افراد نیز مطلع باشند) و قدرت شواهد (شواهد قوی یا ضعیف) می‌باشند.

نحوه انجام کار

در این پژوهش از سناریوی استفاده شده توسط برینک، لاو و ویکتوراویچ (۲۰۱۳) برای توصیف کشف گزارشگری مالی متقلبانه و پرسشنامه مورد استفاده توسط برینک، الر و گان (۲۰۱۵) برای جمع‌آوری پاسخ شرکت کنندگان، به کار برده شد. به‌طور مشخص، این کیس آقای راد را، که یکی از پنج حسابدار ارشد شرکت نمونه می‌باشد، معرفی می‌کند که مسئولیت انجام چندین وظیفه، شامل آماده‌سازی بخش عمده‌ای از گزارش‌های مالی برای اهداف گزارشگری بیرونی، را بر عهده دارد. این گزارش‌ها قبل از انتشار عمومی، توسط آقای اسدی که مدیر ارشد مالی شرکت می‌باشد، بازبینی و تأیید می‌شود. آقای راد از شنیدن این که شرکت نمونه توانسته بود اهداف مالی سالانه خود را تحقق بخشد، متعجب شده بود، زیرا گزارش‌هایی که آقای راد آماده کرده بود نشان می‌داد که شرکت نتوانسته است این اهداف را تحقق بخشد. آقای راد اقدام به کشف شواهدی کرد که نشان می‌دهد که آقای اسدی در گزارشگری مالی متقلبانه مشارکت داشت. سپس، سناریو جزئیاتی در مورد قدرت شواهد و این که آیا آقای راد فکر می‌کرد سایر کارمندان شرکت از این اختلاف مطلع هستند یا خیر، ارائه می‌کند. این کیس با شرح رویه‌های سیستم افشاگری در درون شرکت به پایان می‌رسد. کارمندان جهت گزارش رفتار غیرقانونی از طریق خط تلفن ویژه شکایت افشاگران که به‌صورت ناشناس هستند و توسط افراد غیر وابسته به شرکت اداره می‌شود، ترغیب می‌شدند. این سرویس گزارش‌ها را دریافت و به پرسنل مناسب شرکت ارسال خواهد کرد تا سازمان بتواند تخلف را از داخل شرکت بررسی نماید.

متغیرهای مستقل

سناریوی آزمایشی شامل گزارشگری مالی متقلبانه محتمل می‌باشد. به‌طور مشخص، آقای راد به آقای اسدی، مدیر ارشد مالی شرکت، مشکوک می‌باشد که وی هزینه‌های نگهداری ساختمان را به گونه‌ای نامناسب به‌عنوان دارایی‌های بلندمدت تغییر طبقه‌بندی داده تا سود گزارش شده را افزایش دهد. از این‌رو، این که آیا سایر افراد از نخلف مطلع می‌باشند و قدرت شواهد، بین شرکت کنندگان متغیر می‌باشد.

اطلاع سایر افراد از تقلب

اطلاع سایر افراد از فعالیت متقلبانه بالقوه در دو سطح دستکاری شد: تنها آقای راد از آن عمل مطلع بود و سایر حسابداران ارشد نیز از آن عمل مطلع بودند. در سناریویی که فقط آقای راد از تقلب مطلع بود، به شرکت کنندگان اطلاع داده شد که وی در مورد شواهد یا سوءظن‌هایش نسبت به سایر همکارانش صحبتی نکرد. به‌علاوه، به نظر می‌رسد هیچ یک از سایر همکارانش از شنیدن این موضوع که شرکت اهداف مالی‌اش را تحقق بخشیده متعجب نشده بودند، و هیچ فرد دیگری به سوابقی مبنی بر ثبت‌های دفتر روزنامه درخصوص تغییر طبقه‌بندی هزینه که آقای راد از آن‌ها مطلع بود، دسترسی نداشت (حالت شواهد قوی). از این‌رو، آقای راد مطمئن است که وی تنها فردی است که به احتمال مشارکت آقای اسدی در فعالیت متقلبانه مشکوک می‌باشد.

در سناریویی که سایر افراد از تقلب مطلع می باشند، درحالی که آقای راد در مورد شواهد یا تردیدهایش از تقلب صحبتی نکرده است، وی می دانست که سایر حسابداران ارشد نیز از شنیدن این که شرکت اهداف مالی خود را تحقق بخشیده متعجب شدند. به علاوه، در حالت شواهد قوی، به شرکت کنندگان اطلاع داده شد که کلیه حسابداران ارشد به سوابقی مبنی بر ثبت های دفتر روزنامه درخصوص تغییر طبقه بندی هزینه که آقای راد از آن ها مطلع بود، دسترسی داشتند. در حالت شواهد قوی (ضعیف) بیان شد که آقای راد مطمئن است که سایر حسابداران ارشد از فعالیت متقابلانه آقای اسدی مطلع هستند (سوءظن دارند).

قدرت شواهد

آقای راد در حالت قدرت شواهد دریافت که آقای اسدی چندین ثبت دفتر روزنامه را به سیستم حسابداری ارسال کرد که به نادرستی طبقه بندی هزینه های نگهداری ساختمان را از هزینه ها به دارایی های بلندمدت تغییر داد. به علاوه، تغییراتی که آقای اسدی انجام داد به وضوح با ثبت های سال قبل مغایر بود، زیرا همان اقلام در سال های قبل هزینه ثبت شده بودند. بنابراین، آقای راد کاملاً مطمئن است که آقای اسدی عمداً و به نادرستی طبقه بندی هزینه ها را تغییر داد.

آقای راد در حالت شواهد ضعیف نتوانست ثبت های روزنامه ای را در جهت حمایت تردیدش بیابد. به علاوه، آقای راد قادر به تعیین این که در سال های قبل با هزینه های نگهداری ساختمان چگونه برخورد شده است، نبود. بنابراین، آقای راد تردید اندکی داشت که آقای اسدی عمداً و به نادرستی طبقه بندی هزینه ها را تغییر داد.

متغیر وابسته

شرکت کنندگان، میزان احتمال این که اگر آن ها در موقعیت آقای راد بودند، رفتار مشکوک را از طریق خط تلفن ویژه شرکت نمونه گزارش می نمودند را بیان کردند. پاسخ شرکت کنندگان با استفاده از مقیاس طیف ۷ طبقه ای لیکرت، از "خیلی بعید" (۱) تا "خیلی محتمل" (۷) رتبه بندی می شود. با استفاده از راهنمایی ناشی از ادبیات موضوع، متغیر وابسته به کمک انگیزه های گزارشگری اول شخص شرکت کنندگان، اندازه گیری گردید (آیلر و کایلان، ۲۰۰۵؛ برینک و همکاران، ۲۰۱۳، کاپلان، ۱۹۹۵؛ کاپلان، پنی، ساموئل و ژانگ، ۲۰۰۹). به عنوان یک معیار وابسته تکمیلی، شرکت کنندگان تصمیم دوگانه ای (بله یا خیر) با توجه به این که آیا آن ها آن تخلف را گزارش خواهند کرد یا نه، گرفتند.

نتایج

شرکت کنندگان

جامعه آماری پژوهش حاضر از سه گروه دانشجویان حسابداری مقطع کارشناسی ارشد، شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار و مؤسسات حسابرسی معتمد بورس اوراق بهادار تهران شامل می شود که حجم جامعه مورد نیاز برای انجام این پژوهش ۱۱۸ شرکت کننده می باشد؛ اما با توجه به آزمون دستکاری و احتمال ناقص پر شدن پرسشنامه ها، تعداد ۱۳۵ پرسشنامه بین شرکت کنندگان توزیع گردید. از مجموع ۱۳۵ پرسشنامه توزیع شده، ۱۲۰ پرسشنامه آزمون دستکاری را پشت سر گذاشتند و ناقص نبوده و آماده تحلیل می باشند. میانگین سن شرکت کنندگان حدود ۲۹ سال می باشد و میانگین تجربه کار آن ها ۵,۶ سال است. ۵۶,۷ درصد از شرکت کنندگان مرد هستند. ۸۳,۱ درصد از شرکت کنندگان اذعان داشتند که در طول سابقه کاری شان متوجه شدند فردی که از جایگاه سازمانی بالاتری برخوردار بوده است در یک عمل مشکوک به تخلف، مشارکت داشته است.

کارایی دستکاری ها

همانند برینک و همکاران (۲۰۱۳)، دو سؤال برای ارزیابی کارایی دستکاری قدرت شواهد استفاده شد. اولین سؤال از شرکت کنندگان درخواست می کرد تا قدرت شواهدی که نشان دهنده مشارکت آقای اسدی در تخلف می باشد را در دامنه ۱ (خیلی ضعیف) تا ۷ (خیلی قوی) رتبه بندی کنند. نتایج جدول بندی نشده نشان می دهد که شرکت کنندگان به کیس های شواهد قوی (میانگین = ۵,۷۷) اختصاص داده اند که سطح بالاتر قدرت شواهد علیه آقای اسدی، نسبت به کیس های شواهد ضعیف (میانگین = ۵,۳۳)، را نشان می دهد ($F_{2,118} = 7.852, p < 0.006$). دومین سؤال دستکاری قدرت شواهد این بود که از شرکت کنندگان درخواست کردند تا میزان اطمینان شان از مشارکت آقای اسدی در تخلف را در دامنه ۱ (بسیار نامطمئن) تا ۷ (بسیار مطمئن) رتبه بندی کنند. شرکت کنندگان در کیس های شواهد قوی سطح معناداری بالاتری از اطمینان از این که آقای اسدی مرتکب تخلف شده است (میانگین = ۵,۵۲)، در مقایسه با کیس های شواهد ضعیف (میانگین = ۵,۰۲)، را نشان می دهد ($t_{120} = 2.006, p < 0.047$).

آمار توصیفی

در این تحقیق، متغیر وابسته احتمال گزارشگری اول شخص شرکت کنندگان می باشد. مطابق با جدول ۱ کمترین میانگین ۴,۵۷ می باشد که بیان کننده این امر است که در صورت وجود شواهد ضعیف از تقلب و اطلاع یک نفر از آن، به احتمال زیاد گزارش نخواهد کرد. همچنین در این پژوهش از شرکت کنندگان درخواست گردید تا به این سوال که آیا آن ها تخلف بالقوه را گزارش خواهند نمود یا خیر پاسخ دهند. ۸۳,۳ درصد از شرکت کنندگان بیان داشتند که آن تخلف بالقوه را گزارش خواهند نمود (پاسخ این سوال به صورت بلی و خیر بوده است).

جدول ۱ آمار توصیفی

متغیر وابسته: احتمال گزارشگری			
انحراف معیار	میانگین	قدرت شواهد	تماشاگری
۲,۰۴۶	۴,۵۷	شواهد ضعیف	
۱,۲۶۹	۶,۱۰	شواهد قوی	آگاهی فردی
۱,۸۵۶	۵,۳۳	کل	
۱,۸۶۳	۵,۳۳	شواهد ضعیف	آگاهی سایر
۱,۸۵۲	۵,۴۷	شواهد قوی	افراد
۱,۸۴۳	۵,۴۰	کل	
۱,۹۷۸	۴,۹۵	شواهد ضعیف	
۱,۶۰۶	۵,۷۸	شواهد قوی	کل
۱,۸۴۲	۵,۳۷	کل	

مطابق با این جدول، هنگامی که افراد به تنهایی به شواهد قوی از تقلب دست یابند، به احتمال زیاد آن را گزارش خواهد کرد.

آزمون فرضیه

به منظور آزمون فرضیه تحقیق، از تحلیل واریانس یک متغیره^۱، آزمون اثرات ثابت^۲ و آزمون تقابل‌های برنامه‌ریزی شده^۳ استفاده شد. در این پژوهش نرم‌افزار آماری SPSS v.22 به کار برده شده است. متغیر مستقل پژوهش پدیده تماشاگری و قدرت شواهد می‌باشد.

مطابق با آزمون t ارائه شده در جدول ۲، تحلیل واریانس یک متغیره اثر عمده معناداری را برای اثر پدیده تماشاگری بر احتمال گزارشگری نشان نمی‌دهد ($F_{1,119} = 0.042$, $p < 0.838$). با این حال، این نتایج می‌بایست با توجه به اثر تعاملی معنادار بین قدرت شواهد و پدیده تماشاگری تفسیر گردد. فرضیه تحقیق پیش‌بینی می‌کند که اطلاع چندین نفر از عمل متقلبانه، در مقایسه با اطلاع یک نفر از تقلب، احتمال گزارش این عمل را در زمانی که شواهد قوی از

¹ Univariate general linear model

² Simple effect tests

³ Planned contrast

وقوع آن وجود دارد، بیش تر کاهش خواهد داد (وقوع پدیده تماشاگری) تا در زمانی که شواهد ضعیفی از وقوع تقلب وجود دارد. نتایج گزارش شده در جدول ۲ نشان دهنده این امر است که اثر تعاملی پدیده تماشاگری و قدرت شواهد معنادار می باشد ($F_{1,119} = 14.700$, $p < 0.033$).

جدول ۲ جدول آزمون های اثرات بین آزمودنی ها

متغیر وابسته: احتمال گزارشگری				
نماد	متغیر	درجه آزادی	F	Sig.
Intercept	عدد ثابت	۱	۱۰۸۸,۸۴۲	۰,۰۰۰
Bystander	پدیده تماشاگری	۱	۰,۰۴۲	۰,۸۳۸
evidence.strength	قدرت شواهد	۱	۶,۵۶۳	۰,۰۱۲
bystander * evidence.strength	پدیده تماشاگری * قدرت شواهد	۱	۴,۶۳۱	۰,۰۳۳

آزمون اثرات ثابت انجام شده در جدول ۳ بیانگر این است که قدرت شواهد بر احتمال گزارشگری فردی که از تقلب مطلع می باشد اثر گذار می باشد.

جدول ۳ آزمون اثرات ساده

متغیر وابسته: احتمال گزارشگری			
اثرات ساده	پدیده تماشاگری		قدرت شواهد
	سایر افراد مطلع	اطلاع فردی	
شواهد ضعیف	۵,۳۳	۴,۵۷*	۰,۰۹۸**
شواهد قوی	۵,۴۷	۶,۱۰	۰,۱۷۱
اثرات ساده	۰,۷۷۲	۰,۰۱	

* اعداد نشان دهنده میانگین می باشند.

** اعداد نشان دهنده سطح معناداری می باشند.

به منظور انجام آزمون مقابله‌های برنامه‌ریزی شده، جهت آزمون تعامل خاص اثرات پیش‌بینی شده، از مقاله باکلس و راونسکرافت^۱ (۱۹۹۰) استفاده شد. آن‌ها معتقدند که اگر یک تعامل معمولی پیش‌بینی شده است، مقابله برنامه‌ریزی شده ضروری می‌باشد. ضرایب مقابله برای تعامل معمولی پیش‌بینی شده به صورت زیر هستند:

۱- برای شواهد ضعیف / اطلاع فردی، ۱- برای شواهد ضعیف / سایر افراد مطلع، ۳+ برای شواهد قوی / اطلاع فردی و ۱- برای شواهد قوی / سایر افراد مطلع.

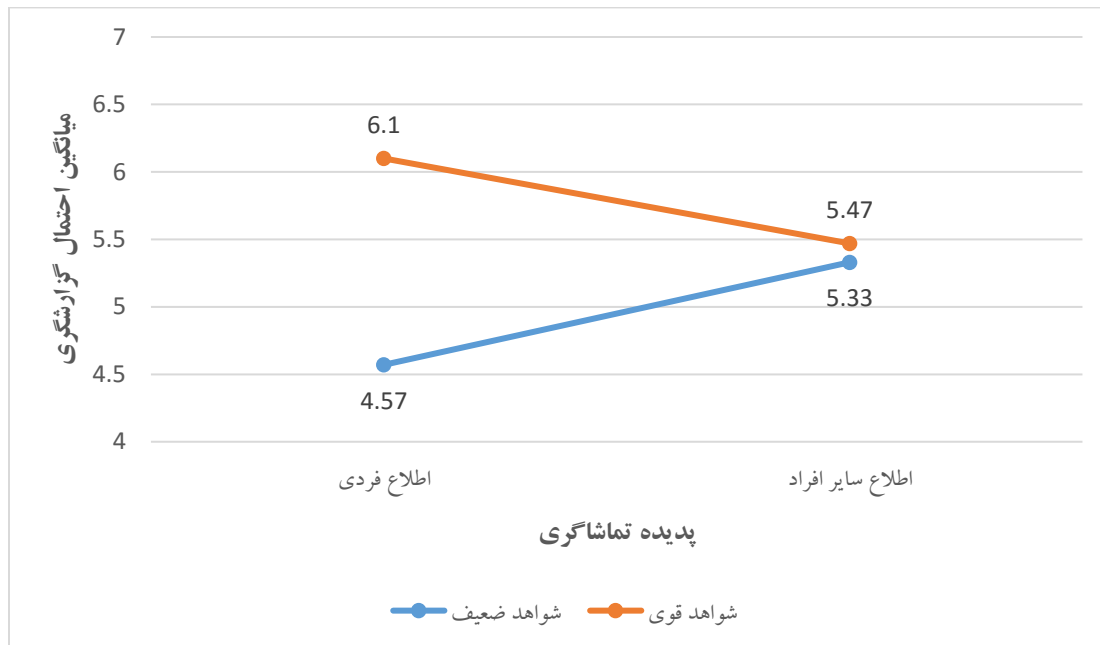
به این ترتیب، نتایج جدول ۴ نشان می‌دهد که مقابله بین وضعیت‌ها معنادار می‌باشد؛ زیرا سطح معناداری آن ۰,۰۱۲ می‌باشد که از ۰,۰۵ کم‌تر است.

جدول ۴ خلاصه تقابل کدگذاری شده برای آزمون مقابله برنامه‌ریزی شده

متغیر وابسته: احتمال گزارشگری					
Sig.	F	MS	df	SS	
۰,۰۱۳	۳,۷۴۶	۱۱,۸۸۹	۳	۳۵,۶۶۷	بین گروه‌ها

با توجه به معنادار بودن این آزمون، شواهد پشتیبانی برای اثر تعدیلی قدرت شواهد یافت می‌شود. همچنین شکل اثر تعاملی پدیده تماشاگری و قدرت شواهد بیانگر این است که در زمانی که تعداد افراد مطلع از تقلب افزایش یابد و شواهد ضعیفی از وقوع تقلب موجود باشد، احتمال گزارشگری تا حدی افزایش می‌یابد؛ اما اگر در زمان وجود شواهد قوی از تقلب، تعداد افراد مطلع از آن افزایش یابند، احتمال گزارش تقلب کاهش می‌یابد.

¹ Buckless and Ravenscroft



شکل ۱۱ اثر تعاملی قدرت شواهد و پدیده تماشاگری بر احتمال گزارشگری

با توجه به آزمون‌های انجام شده، می‌توان نتیجه گرفت که فرضیه پژوهش مبنی بر این که اطلاع دیگران از عمل متقابلانه در زمان وجود شواهد قوی، در مقایسه با علم انفرادی به این عمل در زمان وجود شواهد ضعیف (اثر تماشاگری)، احتمال گزارشگری را کاهش خواهد داد، رد نمی‌گردد.

تحلیل اضافی

مطابق با ادبیات موضوع افشاگری (برینک و همکاران، ۲۰۱۳؛ کوهن و همکاران، ۲۰۰۱؛ کاپلان و همکاران، ۲۰۱۰) احتمال این که ممکن است شرکت کنندگان در پاسخ دادن به سؤالات سوءگیری مطلوبیت اجتماعی^۱ داشته باشند را آزمون گردید. سوءگیری مطلوبیت اجتماعی به تمایل افراد برای نمایش مطلوب و موردپسندشان اشاره دارد که از طریق کم‌نمایی (بیش‌نمایی) احتمال این که اقدامی را به صورت نامطلوب (مطلوب) انجام دهند، نمود می‌یابد (چانگ و مونرو^۲، ۲۰۰۳؛ کاپلان و همکاران، ۲۰۱۰). در این پژوهش از شرکت کنندگان درخواست گردید تا تمایل گزارشگری‌شان را هم به صورت اول شخص ("چقدر احتمال دارد که شما تقلب را گزارش نمایید") و هم سوم شخص ("چقدر احتمال دارد که آقای راد تقلب را گزارش کنند") اعلام کنند. سپس نمره‌های تمایل به گزارش سوم شخص را

¹ social desirability bias

² Chung & Monroe

از تمایل به گزارش اول شخص کم گردید و به اختلاف امتیازی دست می‌یابیم. نتایج جدول‌بندی نشده نشان می‌دهد که میانگین احتمال گزارشگری اول شخص ۵,۳۷ و میانگین احتمال گزارشگری سوم شخص ۴,۴۷ می‌باشد که منجر به میانگین اختلاف امتیاز ۰,۹ می‌شود. از این رو، شرکت کنندگان، احتمال گزارشگری تقلب توسط خودشان را بالاتر از آقای راد اعلام کردند.

اختلاف امتیاز محاسبه شده را به‌عنوان یک کوواریانس به تحلیل واریانس یک‌متغیره اولیه اضافه کردیم. نتایج جدول‌بندی نشده بیانگر آن است که متغیر کمکی^۱ اختلاف امتیاز معنادار می‌باشد ($F_{1,119} = 32.222, p < 0.000$). با این حال، نتایج اولیه از نظر کیفی از نتایج گزارش شده در بالا متفاوت نمی‌باشد. مخصوصاً، اثر عمده قدرت شواهد ($F_{1,119} = 10.551, p < 0.002$)، و اثر تعاملی پدیده تماشاگری و قدرت شواهد ($F_{1,119} = 5.703, p < 0.019$) معنادار می‌باشد. این نتایج نشان می‌دهد که یافته‌های پژوهش با توجه به اثر پدیده تماشاگری، به اندازه سوءگیری مطلوبیت اجتماعی تقویت می‌شود.

همچنین، به‌عنوان هزینه‌های اجتماعی و سایر مسائل اخلاقی که می‌تواند بر تمایل به گزارش عمل متقابلانه اثر بگذارد، از شرکت کنندگان سوالاتی در مورد میزان امنیت ادراک شده جهت گزارش از طریق خط تلفن ویژه افشاگری، میزان شدت عمل مشکوک به تقلب، میزان درجه‌ای که آن عمل تخلف از نظر اخلاقی اشتباه تلقی می‌شد و اقدامات تلافی‌جویانه منفی، یعنی به ترتیب سوالات شماره ۸، ۹، ۱۰ و ۱۲ پرسشنامه، پرسیده شد که به‌عنوان کوواریانت‌های بالقوه آزمون شدند. نتایج نشان می‌دهد که افزودن این موارد بر نتایج اولیه تأثیری ندارد.

بحث و نتیجه‌گیری

وقوع مداوم تقلب، تهدیدی بسیار جدی و هزینه‌بر برای تجارت‌های سراسر جهان می‌باشد. گزارش عمومی سالیانه در مورد تقلب و سوءاستفاده‌ی شغلی (۲۰۱۲) اشاره می‌کند که زیان ناشی از تقلب سازمان‌های معمولی معادل ۵ درصد درآمد سالانه‌شان می‌باشد، که کل زیان سالانه جهانی ناشی از تقلب در حدود ۳,۵ تریلیون دلار برآورد می‌شود. با توجه به اثر هنگفت تقلب در سطح جهان و همچنین اهمیت هشدارهای کارمندان در کشف و کاهش تقلب، درک مکانیزم‌های فرآیند افشاگری حیاتی می‌باشد. به‌علاوه، شواهد روایی^۲ نشان می‌دهد که در برخی از موارد معروف تقلب، چندین کارمند از تخلف یا مطلع بودند و یا به آن مشکوک بودند و ظن‌شان بین این کارمندان مشترک بود. برای مثال، چندین کارمند از تقلب در شرکت‌های انرون و ورلدکام مطلع بودند، یا دلیل برای شک کردن داشتند (باینس، ۲۰۰۲؛ کرامتون، ۲۰۰۲؛ کدلک، ۲۰۰۲؛ فیفر و آلکانتار، ۲۰۰۳؛ چارف، ۲۰۰۵).

¹ covariate

² anecdotal evidence

مطابق با فرضیه، اثر تعاملی معناداری را بین پدیده تماشاگری و قدرت شواهد یافت می‌شود. مخصوصاً، نتایج نشان می‌دهد که در زمانی که شواهد حاکی از وقوع عمل متقلبانه قوی می‌باشد، افرادی که به صورت انفرادی از آن مطلع بودند با احتمال بیش‌تری نسبت به زمانی که سایر افراد از تقلب مطلع هستند، گزارش می‌کنند. این نتیجه در تطابق با اثر پدیده تماشاگری می‌باشد. با این حال، زمانی که شواهد حاکی از وقوع عمل متقلبانه ضعیف می‌باشد، پدیده تماشاگری یافت نمی‌شود. به علاوه، پدیده تماشاگری از توزیع مسئولیت ناشی می‌شود که نشان‌دهنده این امر است که افراد شواهد قوی را به عنوان نشانه‌ای تفسیر می‌کنند که در زمان حضور سایر افراد مطلع از تخلف، بدون دخالت‌شان اقداماتی صورت خواهد گرفت.

این نتایج از این نظر مهم می‌باشد که نشان‌دهنده مسائل بالقوه مهمی در برنامه‌های افشاگری است و توجه بسیار کمی به آن شده است. گمان بر این است که بیش‌تر مدیران شرکت‌ها و اعضای کمیته‌های حسابرسی با گرایش افراد به تسلیم شدن در برابر پدیده تماشاگری نا آشنا می‌باشند. احتمالاً این گروه‌ها معتقدند که همبستگی مثبتی بین تعداد افراد مطلع از تقلب و احتمال گزارش شدن آن توسط افراد مطلع از تقلب در زمان وجود شواهد قوی، وجود دارد. با این حال، نتایج مان خلاف این امر را نشان می‌دهد.

پیشنهادهای زیر برای بهبود محیط کسب و کار و انجام تحقیقات بیش‌تر ارائه گردیده است:

- فراهم آوردن سیستم امکان ارسال هشدارهای مربوط به تخلف، به گونه‌ای که بتوانند با اطمینان کامل آن تخلف را گزارش نمایند.
- آموزش کارمندان شرکت در جهت شناسایی و نحوه برخورد در زمان وقوع پدیده تماشاگری.
- از آنجایی که سناریوی این پژوهش در مورد حسابداران می‌باشد، می‌بایست حس مسئولیت فردی‌شان را افزایش داد، زیرا آن‌ها مستقیماً در ارتباط با صورت‌های مالی هستند و ایجاد توزیع مسئولیت در بین آن‌ها باعث ضربه‌پذیری شدید شرکت می‌شود.
- از آنجایی که در سناریو اشاره شد که حسابدار ارشد با سایر همکاران خود صحبتی نکرد، پیشنهاد می‌شود تا موارد مشکوک به تقلب را با سایرین مطرح نمایند تا اثر پدیده تماشاگری کاهش یافته و احتمال گزارشگری افزایش یابد.
- افراد وجود شواهد قوی را نشانه‌ای بر انجام اقدام مناسب از سوی مسئولان تلقی کرده و به احتمال کم‌تر تقلب را گزارش می‌کنند. از این‌رو، می‌بایست به آن‌ها آموزش داده شود تا در هر شرایطی آن را گزارش

- نمایند. در واقع، بیمن، بارنس، کلنتز و مک کویرک (۱۹۷۸) دریافتند که دانشجویانی که در مورد پدیده تماشاگری آموزش دیدند کم تر در برابر گزارش نکردن تسلیم شدند.
- با توجه به پیشگام بودن این پژوهش در زمینه پدیده تماشاگری و در حیطه علم روانشناسی، پیشنهاد می گردد تا برنامه‌ها و راه کارهای مدیریت این پدیده تبیین گردد.
 - با توجه به تفاوت محیط و قوانین حاکم بر شرکت‌های خصوصی و دولتی، می‌بایست پژوهش‌های جداگانه‌ای انجام گردد.
 - اثر مکانیزم‌های مالی و انگیزشی بر قصد افشاگران به افشاگری آزمون شود.
 - اثر پدیده تماشاگری در شرایطی آزمون شود که متخلف با افشاگر آشنا می‌باشد.

منابع

۱. مرادی؛ مهدی، سلیمانی مارشک؛ مجتبی، (۱۳۹۰). *روانشناسی و جامعه شناسی قلب*، دانش حسابرسی، دوره جدید، سال یازدهم، شماره ۴
۲. مشایخی، بیتا. (۱۳۹۰). *روانشناسی قلب*، نشریه حسابدار، ماه آبان.
3. Apaza, C. R., & Chang, Y. (2011). What makes whistle-blowing effective. *Public Integrity*, 13(2), 113-130.
4. Association of Certified Fraud Examiners (ACFE). 2014. *Report to the Nation on Occupational Fraud and Abuse*. Austin, TX: ACFE.
5. Association of Certified Fraud Examiners (ACFE). 2012. *Report to the Nation on Occupational Fraud and Abuse*. Austin, TX: ACFE.
6. Baynes, L. M. (2002). Just pucker and blow?: An analysis of corporate whistleblowers, the duty of care, the duty of loyalty, and the Sarbanes-Oxley Act. *St. John's Law Review*, 76(4), 875-896.
7. Birnberg, J.G. (2009). *The case for post-modern management accounting: Thinking outside the box*. *Journal of Management Accounting Research*, 21(1), 318.
8. Brink, C. A., Eller, K., Gan, H. (2015). *Reporting Fraud: An Examination of the Bystander Effect and Evidence Strength*. *Advances in Accounting Behavioral Research*, 125-154.
9. Brink, A. G., Lowe, D. J., & Victoravich, L. M. (2013). The effect of evidence strength and internal rewards on intentions to report fraud in the Dodd-Frank regulatory environment. *Auditing: A Journal of Practice & Theory*, 32(3), 87-104.
10. Buckless, F. A., & Ravenscroft, S. P. (1990). Contrast coding: A refinement of ANOVA in behavioral analysis. *The Accounting Review*, 65(4), 933-945.
11. Callahan, E. S., & Collins, J. W. (1992). Employee attitudes toward whistleblowing: Management and public policy implications. *Journal of Business Ethics*, 11(12), 939-948.
12. Carson, L., thomas, Verdu, E., mary, & Wokutch, E., Richard. (2008). *Whistle-Blowing for Profit: An Ethical Analysis of the Federal False Claims Act*. *Journal of Business Ethics* 77:361–376.
13. Cherry, Kendra.(2010). *The Everything Psychology Book: Explore the human psyche and understand why we do the things we do*. Adams Media.

14. Chung, J., & Monroe, G. S. (2003). Exploring social desirability bias. *Journal of Business Ethics*, 44(4), 291302.
15. COSO. (2012). *Fraudulent Financial Reporting: 1987-1997 — An Analysis of U.S. Public Companies* [Web site comment]. From: http://www.coso.org/FFR-Analysis_Summary.htm
16. Cohen, J. R., Pant, L. W., & Sharp, D. J. (2001). An examination of differences in ethical decision-making between Canadian business students and accounting professionals. *Journal of Business Ethics*, 30(4), 319336.
17. Cramton, R. C. (2002). Enron and the corporate lawyer: A primer on legal and ethical issues. *The Business Lawyer*, 58(1), 143187.
18. Curtis, M. B. (2006). *Are audit-related ethical decisions dependent upon mood?* *Journal of Business Ethics*, 68(2), 191-209.
19. Darley, J.M., & Latane, B.(1968). *Bystander intervention in emergencies: Diffusion of responsibility.* *Journal of Personal and Social Psychology*, 8(4), 377-383.
20. Dozier, J. B., & Miceli, M. P. (1985). Potential predictors of whistle-blowing: A prosocial behavior perspective. *The Academy of Management Review*, 10(4), 823-836.
21. Ethics Resource Center (ERC). (2012). *Inside the mind of a whistleblower: A supplemental report of the 2011 national business ethics survey.* Arlington, VA: ERC.
22. Kadlec, D. (2002). Enron: Who's accountable? *TIME*, January 13.
23. Kaplan, S. E., Pope, K. R., & Samuels, J. A. (2010). The effect of social confrontation on individuals' intentions to internally report fraud. *Behavioral Research in Accounting*, 22(2),51-67.
24. Fich, M., Eliezer; & Shivdasani, Anil.(2007). *Financial fraud, director reputation, And shareholder wealth,* *Journal of Financial Economics* 86, 306–336.
25. Fischer & Grietmeyer.(2013) *The Positive Bystander Effect: Passive Bystanders Increase Helping in Situations With High Expected Negative Consequences for the Helper.* *Journal of Social Psychology* Vol. 153 Issue 1, p1-5
26. Fredricks, susan; Ramsy; michele, & Hornett; andrea.(2011). *Kindship and bystander effects: the role of others in ethical decision,* *Journal of Religion and Business Ethics*, vol 2, issue 1.
27. Graham, J. W. (1986). Principled organizational dissent: A theoretical essay. *Research in Organizational Behavior*, 8, 152.

28. Gao, Jingyu; Greenberg, Robert; & Wong-On-Wing, Bernard.(2014). *Whistleblowing Intentions of Lower-Level Employees: The Effect of Reporting Channel, Bystanders, and Wrongdoer Power Status*, Journal of Business Ethics.
29. Latane, B., & Darley, J. M. (1968). *Sex, group size, and helping in three cities*. Sociometry, 38(2), 180-194.
30. Miceli, M. P., & Near, J. P. (1985). Characteristics of organizational climate and perceived wrongdoing associated with whistle-blowing decisions. Personnel Psychology, 38(3), 525-544.
31. Miceli, M. P., & Near, J. P. (1988). Individual and situational correlates of whistleblowing. Personnel Psychology, 41(2), 267-281.
32. Miceli, M. P., Near, J. P., & Dworkin, T. M. (2008). Whistle-blowing in organizations. New York, NY: Routledge/Taylor & Francis Group.
33. Miceli, M. P., Near, J. P., Rehg, M. T., & Van Scotter, J. R. (2012). Predicting employee reactions to perceived organizational wrongdoing: Demoralization, justice, proactive personality, and whistle-blowing. Human Relations, 65(8), 923-954.
34. Miceli, M. P., Near, J. P., & Schwenk, C. R. (1991). Who blows the whistle and why?Industrial and Labor Relations Review, 45(1), 113-130.
35. Nitsch, D., Baetz, M., & Hughes, J.C. (2005). *Why code of conduct violations go unreported: A conceptual framework to guide intervention and future research*. Journal of Business Ethics, 57(4), 327-341.
36. Near, J. P., & Miceli, M. P. (1985). Organizational dissidence: The case of whistleblowing. Journal of Business Ethics, 4(1), 1-16.
37. Near, J. P., & Miceli, M. P. (1995). Effective whistle-blowing. Academy of Management Review, 20(3), 679-708.
38. Near, J. P., & Miceli, M. P. (1996). Whistle-blowing: Myth and reality. Journal of Management, 22, 507-526.
39. Near, J. P., Rehg, M. T., Van Scotter, J. R., & Miceli, M. P. (2004). Does type of wrongdoing affect the whistle-blowing process? Business Ethics Quarterly, 14(2), 219-242.
40. Pfeifer, K., & Alcantar, C. (2003). Tales of a WorldCom worker: Kimberly Pfeifer interviews Cara Alcantar, former WorldCom employee. New Labor Forum, 12(2), 65-69.
41. Robinson, S.N., Robertson, J.C., & Curtis, M.B. (2012). *The effects of contextual and wrongdoing attributes on organizational employees' whistle-blowing intentions following fraud*. Journal of Business Ethics, 106(12), 213-227.

42. Scharff, M. M. (2005). Understanding WorldCom's accounting fraud: Did groupthink play a role? *Journal of Leadership & Organizational Studies*, 11(3), 109-118.
43. The Committee of Sponsoring Organizations of the Tread way Commission (COSO). (2002). *Fraudulent financial reporting: 1987-1997 an analysis of U.S. public companies*. Washington, DC: Government Printing Office.